

افزایش مشارکت و جذب

دانش‌آموزان نسبت به درس تاریخ

میزگرد با حضور دبیران تاریخ استان یزد

محمدحسین معتمدراد



اشاره

اوایل خردادماه گذشته بود که به پیشنهاد سردبیر محترم مجله مأموریت یافتیم گفت‌وگویی با دبیران استان یزد انجام دهیم. پیش از انجام این مأموریت، با چند نفر از دبیران تاریخ از دور و نزدیک گفت‌وگویی داشتم تا با پاره‌ای از مسائل و موضوعات آموزش تاریخ در مدارس آشنا شوم. سپس آن‌ها را جمع‌بندی کردم تا بتواند در میزگرد موردنظر محور بحثمان باشد. حاضران در نشست یزد عبارت بودند از دکتر اصغر زرنگار، سیدجلیل فانی، ناصر مهدی‌نژاد، اصغر اکرمی و نیز خانم رباب طاقه‌باف. در ضمن در اواسط این نشست محمود زارع معاون آموزش متوسطه حضور پیدا کرده و از دیدگاه‌های وی نیز بهره‌مند شدیم. مقدمات این نشست توسط صادق رضایی و سیدجلیل فانی، به‌ترتیب نماینده مجلات رشد و سرگروه تاریخ استان یزد آماده شد که از هر دوی این عزیزان تشکر می‌کنم.

بگوییم که متأسفانه ما در مدارس هنوز برای تدریس تاریخ از شیوه سنتی استفاده می‌کنیم. یعنی کلاس ما معلم‌محور است. معلم صحبت می‌کند و دانش‌آموز گوش می‌کند و روشن است که با این روش بعد از گذشت مدتی دانش‌آموز



فانی: چند سال گذشته چون استخدام دبیر کم بوده خیلی از اشخاص که تخصص غیرتاریخ دارند می‌آیند و تاریخ تدریس می‌کنند. نکته دیگر عدم دانش و مهارت کافی شماری از فارغ‌التحصیلان رشته تاریخ است و مورد دیگر در همین راستا استفاده نکردن از وسایل کمک آموزشی است، از جمله فیلم‌های تاریخی

مباحث تاریخی را فراموش می‌کند. پیشنهاد این است که از شیوه «مشارکتی» استفاده شود یعنی دانش‌آموز را به کار بگیریم اگرچه وقت‌گیر است ولی اگر به شیوه مشارکتی باشد، مطالب در ذهن دانش‌آموز می‌ماند.

می‌دانید که تاریخ تنها یک درس نیست که افراد فقط در دوره مدرسه مجبور به مطالعه آن باشند بلکه بخشی از زندگی هر فرد است با این حال، متأسفانه در مدارس ما استقبال دانش‌آموزان از درس تاریخ کم است و این دو علت دارد، یکی اینکه این درس در سال سوم متوسطه خوانده می‌شود که دانش‌آموزان امتحانات نهایی دیپلم را دارند بنابراین آن را بی‌اهمیت قلمداد می‌کنند. علت دیگر این است که در کنکور مثلاً در درس عربی ما چند تا تست داریم؟ در ادبیات فارسی چند تا تست است؟ در بینش اسلامی چند تا

در این نشست می‌خواهیم در مورد آموزش تاریخ در کشور و مشکلاتی که ما با آن مواجه هستیم بحث و گفت‌وگو کنیم. من موضوعاتی را که به‌نظرم ضروری است و می‌توانیم در مورد آن بحث و تحلیل داشته باشیم فهرست‌وار و به‌صورت سؤالی می‌گویم تا شما هم در مورد آن اظهارنظر فرمایید. شیوه‌ها و مهارت‌های صحیح در آموزش تاریخ چیست؟ چه راهکارهایی برای جذب و جلب دانش‌آموزان پیشنهاد می‌کنید؟ چه کاستی‌ها و خلأهایی در آموزش تاریخ وجود دارد؟ چقدر نگاه ما به آموزش تاریخ جنبه کاربردی دارد؟ فن بیان معلم تاریخ چقدر در موفق بودن او و شاگردان مؤثر است؟ همچنین معلومات و شخصیت معلم تاریخ، جهان‌بینی و بینش معلمان و حتی دانش‌آموزان در زمینه درس تاریخ، بازدید از موزه‌ها و اماکن و آثار تاریخی و... مباحثی است که می‌تواند در این گفت‌وگو مطرح شود. لذا باتوجه به مسائل مطرح شده از آقای فانی می‌خواهم که نقطه نظرهای خودشان را بیان کنند.

فانی: اینها که شما، مطرح کردید مباحثی بسیار بجاست و امیدوارم با همکاری دوستان بتوانیم آن‌ها را مورد نقد و تحلیل قرار دهیم. باید

تست است؟ ولی متأسفانه تاریخ معاصر در کنکور جایی ندارد بنابراین در ذهن دانش‌آموز این‌طور تلقی می‌شود که درس تاریخ چندان اهمیتی ندارد. حالا حرف‌های ما را به یک نوعی برسانید به وزارتخانه که اگر امکان دارد تاریخ معاصر هم جزء امتحانات نهایی دیپلم قرار گیرد و هم در کنکور سراسری چند تا تست از تاریخ معاصر بیاید. اما در مورد سایر فرمایشات شما:

مشکل دیگر درس تاریخ این است که در چند سال گذشته چون استخدام دبیر کم بوده خیلی از اشخاص که تخصص غیرتاریخ دارند می‌آیند و تاریخ تدریس می‌کنند. نکته دیگر عدم دانش و مهارت کافی شماری از فارغ‌التحصیلان رشته تاریخ است. مورد دیگر در همین راستا استفاده نکردن از وسایل کمک‌آموزشی است، از جمله فیلم‌های تاریخی، مثلاً بنده دبیر می‌خواهم کودتای ۲۸ مرداد را تدریس کنم و فیلم‌هایی هم از وقایع آن ایام هست که می‌توانم استفاده کنم و برای بچه‌ها نمایش دهم ولی استفاده نمی‌کنم. چون علاقه‌ای به این کار ندارم. یا اصولاً این فیلم‌ها و نقشه‌های تاریخی موردنیاز که یکی از وسایل کمک‌آموزشی است به کلی در مدرسه وجود ندارد. مثلاً یک دبیری می‌خواهد دوره صفویه را تدریس کند، اگر نقشه‌های دوره صفویه را داشته باشد، خیلی بهتر است، گردش علمی هم برای دانش‌آموزان فوق‌العاده کم است، نمی‌دانم در وزارتخانه دستورالعملی در این رابطه وجود دارد یا نه. بعضی از شهرستان‌ها و مراکز استان، عذرخواهی می‌کنند که سرویس نداریم. متأسفانه گردش‌های علمی به این صورت در برنامه‌های درسی نیست. یکی دیگر از موارد، حجیم بودن کتاب‌های تاریخ است، مثلاً تاریخ ایران و جهان (۲) که درس اصلی رشته علوم انسانی است، نهایی و پر حجم است، هفته‌ای سه ساعت دارد. ما در بازدیدهایی که در شهرستان و مناطق داشتیم دبیران از این موضوع گله داشتند و می‌گفتند حداقل هفته‌ای چهار ساعت بایستی داشته باشیم. بالاخره، یک مشکل دیگر که متأسفانه در کتاب تاریخ معاصر مشاهده می‌شود این است که بعضی از مؤلفان آن متخصص تاریخ نیستند

خانم طاقه‌باف، شما بگویید که روش مشارکتی که آقای فانی در تدریس خود بیان کردند چقدر

در شیوه تدریس شما تأثیرگذار است؟

طاقه‌باف: در شرایط کنونی معلم می‌آید یک درسی را می‌دهد، بچه‌ها باید گوش بکنند و بروند بخوانند و هفته بعد بیایند و توضیح دهند. یا اینکه نهایت مشارکت این است که یک مبحثی را برای دانش‌آموزان مشخص می‌کنند تا آن‌ها به‌صورت کنفرانس ارائه دهند.

ما خیلی اگر بخواهیم کلاس را تغییر بدهیم تا جلوه‌ای داشته باشد، چند نفر انتخاب می‌شوند تا به‌صورت گروهی روی بحثی کار بکنند و توضیح بدهند. یعنی نوآوری خاص تا حالا در زمینه تدریس تاریخ نشده است. شیوه‌هایی که استفاده می‌شود تا حالا بیشتر همین شیوه‌ها بوده است.

شما روش مشارکتی را که مطرح شد چقدر در تدریس رعایت می‌کنید؟

طاقه‌باف: من تا حدی رعایت می‌کنم. یعنی قسمتی از درس را که توضیح می‌دهم از بچه‌ها هم نظرخواهی می‌کنم و آن‌ها شروع می‌کنند هر کدام یک توضیحی می‌دهند. سپس نظر آن‌ها را جمع‌بندی می‌کنم و باز درس را ادامه می‌دهم. یعنی طوری نیست که صددرصد معلم‌محوری یا دانش‌آموز‌محوری باشد.

دو شیوه نادرست آموزش تاریخ از سوی معلمان در اغلب مدارس اجرا می‌شود. یکی متکی بر محفوظات است، که در آن بیشتر به اطلاعات موجود در درس را اهمیت می‌دهند تا به پرورش شاگردان. شیوه دیگری هم که زیاد مناسب نیست و در این سال‌ها می‌بینیم که در مدارس اجرا می‌شود همان روش سنتی روخوانی است، جناب زرنگار شما بفرمایید که تا چه اندازه این شیوه‌ها در مدارس تغییر کرده؟

زرنگار: بنده نزدیک به ۳۴ سال است که درس تاریخ می‌دهم و نزدیک به ۲۴ سال است که تاریخ خوانده‌ایم یعنی مجموعش نزدیک به ۶۰ سال است هم می‌خواندیم و هم تدریس می‌کردیم. در تمامی دروس، هم مسئولان و دست‌اندرکاران و هم دبیران تحولی ایجاد کرده‌اند و شیوه‌های تدریس تغییر پیدا کرده و کاربردی‌تر شده، اما تنها درسی که تا امروز هیچ تغییری پیدا نکرده درس تاریخ است. به‌نظر من یکی از دلایل بی‌توجهی به درس تاریخ، دیدگاه برخی مدیران نسبت به این درس است، و تا

این دیدگاه وجود دارد، هیچ‌گاه تحولی در درس تاریخ ایجاد نخواهد شد.

نکته دیگر اینکه دانش‌آموزان در همان روزهای اول سال می‌گویند این تاریخ به چه درد ما می‌خورد؟ این کتابی را هم که نوشته‌اند فقط می‌شود به همان شیوه درس بدهی، شیوه کاربردی ندارد، شیوه آموزشی دانش‌آموز محور ندارد، شیوه عقل‌محور ندارد. فقط شیوه آموزشی آن این است که شما توضیح بدهید، دانش‌آموزان هم چرت بزنند. این‌ها که هیچ‌گاه تحولی ایجاد نمی‌شود.

البته کتاب تاریخ فعلی پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموز نیست، به همین دلیل دانش‌آموز می‌گوید این تاریخ چه دردی را از من دوا می‌کند؟ وقتی در کنکور هم نیست؛ چه فایده‌ای دارد؟

یکی از نکات دیگر این است که تمام رشته‌ها وقتی بخواهند دبیر تربیت کنند متخصص با شرایط خاص می‌گیرند، آزمون می‌گیرند که ببینند شخص می‌تواند مثلاً درس زمین‌شناسی را درس بدهد یا فیزیک درس بدهد یا کامپیوتر را و... ولی در مورد تاریخ هیچ پیش‌شرطی نیست. به هر دبیری که ساعت کم دارد می‌گویند تاریخ درس دهد. چرا؟! چون از نظر عده‌ای، تاریخ ارزشمند نیست. درسی است که همه دبیران درس می‌دهند، دبیر فنی در هنرستان هم، تاریخ درس می‌دهد.

پس شما معتقدید هیچ تغییری در درس تاریخ نداشته‌ایم؟

زرنگار: نه، آن چیزی که لازم است نداشته‌ایم. ببینید مثلاً همگام با درس‌های دیگر، ما از همه درس‌ها عقب‌تر هستیم و از امکانات آموزشی، کمک‌آموزشی و تربیت‌دبیر متخصص محرومیم.

انگیزه را باید دبیر به دانش‌آموز بدهد شما نقش دبیر را هم فرمایید اینکه شیوه آموزشی ما متکی به روحانی و محفوظات است به نظر من این به دبیر برمی‌گردد، یک دبیر می‌تواند دانش‌آموز را خلاق بکند. به نظر شما معلم چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ آموزش‌وپرورش یک چارچوبی را مشخص کرده، برنامه درسی را نوشته و معلم را موظف کرده که این درس را بگوید. همین‌طور این چارچوب برای دروس

فیزیک و شیمی هم هست پس نقدی که می‌فرمایید شاید برای تمام حوزه‌های آموزشی وارد باشد. شما از نقش معلم بگویید.

زرنگار: مثالی بزنم. به شما چند تا پرتقال داده‌اند و گفته‌اند وزن کنید اما به جای ترازو یک هواسنج برای اندازه‌گیری وزن به شما داده‌اند! چگونه می‌توانید این پرتقال را وزن کنید؟ اینجا هم همین‌طور است. کتابی که به شما داده‌اند درس بدهید یک کتاب محفوظات‌محور است چطور می‌خواهید آن را کاربردی کنید؟ اصلاً امکان ندارد وقتی شما می‌خواهید وزن پرتقال را بسنجید باید ترازو را در اختیارتان قرار بدهند.

به هر حال خودتان به عنوان معلم تاریخ چه شیوه‌ای دارید؟ چارچوب برنامه درسی شما را موظف می‌کند که برنامه را اجرا کنید. آیا شما هم بر محفوظات تأکید می‌کنید یا راه دیگری را به کار می‌برید؟ ما می‌خواهیم در مجله شیوه شما را معرفی کنیم.

زرنگار: ببینید شیوه یکی از این ابعاد است. تا مسئله اصلی حل نشود، شما چطور می‌خواهید شیوه کاربردی کار کنید؟ این با کتاب عهد



زرنگار: یکی از نکات دیگر این است که تمام رشته‌ها وقتی بخواهند دبیر تربیت کنند متخصص با شرایط خاص می‌گیرند، آزمون می‌گیرند که ببینند شخص می‌تواند مثلاً درس زمین‌شناسی را درس بدهد یا فیزیک درس بدهد یا کامپیوتر را و... ولی در مورد تاریخ هیچ پیش‌شرطی نیست. به هر دبیری که ساعت کم دارد می‌گویند تاریخ درس دهد

دقیانوس، اصلاً امکان‌پذیر نیست. ببینید باید کتاب تاریخ، شیوه‌ کاربردی پیدا کند، من نوعی ممکن است در مدرسه‌ استعدادهای درخشان که ۱۶ دانش‌آموز دارم، همه شیوه‌ها را به‌کار گیرم و تا الان هم موفق بوده‌ام اما آقای فانی که در هنرستان ۴۰ دانش‌آموز سر کلاس دارد، نمی‌تواند شیوه‌ای که من به‌کار می‌برم اجرا کند. شیوه‌ مشارکتی نمی‌تواند اجرا کند، شیوه‌ مهارتی نمی‌شود، شیوه‌ تدریس فعال نمی‌شود، ما تمام شیوه‌هایی را که از تهران آمدند به ما آموزش دادند به‌کار گرفتیم ولی بسته به جایگاهش. ما از فیلم‌های تاریخی و نقشه‌های تاریخی هم استفاده می‌کنیم، بازدید از موزه‌ها هم داریم ولی به من اعتراض می‌کنند که چرا این قدر فیلم نشان می‌دهید.

می‌گویند شما همیشه در حال دیدن فیلم و در اتاق



اکرمی: شیوه‌ ارزشیابی هم نباید فقط بر اساس محفوظات دانش‌آموز باشد. البته حافظه خوب است و کمک می‌کند به اینکه در امتحان موفق شویم ولی این روش در جایگاه پژوهش و تجزیه و تحلیل تاریخ ارزش زیاد ندارد

فیلم هستید! این چه درس تاریخی است؟!

آقای اکرمی، برای اینکه دانش‌آموزان به سمت روخوانی و محفوظات نروند شما چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

اکرمی: روش‌های دبیران در مدارس مختلف، متفاوت است. ما اولین نکته‌ای را که باید در نظر بگیریم، این است که طرف حساب ما که همان دانش‌آموز است سطح پایه علمی یا دانایی‌اش چقدر است.

در مدارس مثلاً کاردانش و یا فنی‌وحرفه‌ای ما نمی‌توانیم همان روشی را به‌کار بگیریم که در دبیرستان نمونه به‌کار می‌گیریم. در مدرسه نمونه نیازی به روخوانی کتاب نیست چون دانش‌آموز اطلاعات دارد ولی مثلاً در هنرستان کاردانش حتی در روخوانی کتاب مشکل دارد، بنابراین حتماً باید روخوانی انجام شود و مطالب خیلی ساده شود و حتی جملاتی که مهم هستند ساده بشوند. ما در کتاب تاریخ که از بعضی جملات و کلمات ثقیل استفاده شده سعی می‌کنیم این نثر را ساده‌تر کنیم تا بچه‌ها بفهمند.

دیگر اینکه من معمولاً از روشی دیگری هم استفاده می‌کنم و آن طرح سؤال تست در هنرستان، است که شکل مشارکتی هم دارد؛ یعنی ۴ دانش‌آموز معمولی را با دانش‌آموزی که ضعیف است یک گروه می‌کنم و به آن‌ها می‌گویم بعد از اینکه من درس را دادم شما از جملات درس و کتاب، سؤال و تست تهیه کنید. این باعث می‌شود هم بچه‌ها سرگرم شوند و هم علاقه در آن‌ها ایجاد می‌شود. بعد تست‌هایی را که طرح می‌کنند نماینده‌شان می‌آید و پای تابلو می‌نویسد و در اینجا جملات آن‌ها را از لحاظ نگارش تصحیح می‌کنم که مشکلی نداشته باشد.

همین‌طور که آقای زرنگار فرمودند واقعاً در کتاب تاریخ معاصر خیلی وقت‌ها مصالح تدریس ناقص است، سؤال می‌خواهی طرح کنی می‌مانی که چطور طرح کنی، چه پرسش شفاهی باشد، چه کتبی باشد، چه نقطه‌چین باشد، یا به هر شکلی که باشد.

اما در مدارس نمونه بچه‌ها به هر حال ذهن خلاق تری دارند و نیازی به این کار نیست و برعکس مسائل و پرسش‌های حاشیه‌ای زیاد مطرح می‌شود و معلم باید مطالعه بیشتری داشته باشد. در این مدرسه‌ها ما سعی می‌کنیم حتی المقدور خودشان را بفرستیم تا تحقیق انجام دهند.

آقای مهدی‌نژاد، ما نمی‌خواهیم درس تاریخ، زنگ تفریح دانش‌آموزان باشد برای اینکه این اتفاق نیفتد و درس تاریخ را جذاب‌تر بکنیم چه باید کرد؟ از تجربیات خود بگویید.

مهدی‌نژاد: شما اگر الان در همین شهر یزد تحقیقی بکنید می‌بینید که همه می‌خواهند بچه‌هایشان را بفرستند رشته تجربی یا ریاضی. مدیرها هم بیشتر به دنبال رشته ریاضی یا تجربی هستند.

در مدرسه‌ای رفتم بازرسی؛ خانمی که اتفاقاً خودش

دبیر بود آمد پرسید: شما سرگروه تاریخ هستید؟
گفتم بله. گفت شما به دبیرانتان بگویید این قدر
به شاگردان فشار نیاورند که تاریخ بخوانند. گفتم
چرا؟ گفت تاریخ به درد آن‌ها نمی‌خورد. گفتم
چرا به دردشان نمی‌خورد؟ گفت به چه درد
می‌خورد؟ گفتم اگر شما شناسنامه‌تان را گم
کنید و دیگر نتوانید ثابت کنید که چه کسی
هستید آن وقت چه کار می‌کنید؟

دوم اینکه کلاس‌های متفاوت داریم که
آقای اکرمی مسائل آن‌ها را گفتند. من خودم
کارهایی که سر کلاس انجام می‌دهم این است
که سعی می‌کنم بچه‌ها را عملاً با درس درگیر
کنم، یک جوری به درس علاقمندشان بکنم،
فیلم معرفی می‌کنم، کتاب معرفی می‌کنم
گاهی وقت‌ها کتاب را می‌برم سر کلاس و
نشان می‌دهم، سؤال می‌کنم و از دانش‌آموزان
می‌خواهم بروند خودشان جواب را پیدا کنند،
سعی می‌کنم این کارها را انجام دهم، سعی
می‌کنم همیشه با خنده وارد کلاس شوم و با
خنده بیرون بیایم، به طوری که آخر سال که
می‌شود دانش‌آموزان می‌پرسند آقا شما سال
دیگر هم در این مدرسه هستید؟ یعنی سعی
نمی‌کنم کلاس خشک باشد، حالتی به کلاس
می‌دهم که دانش‌آموز شاد باشد و درس تاریخ را
یاد بگیرد و علاقمند هم بشود.

**من از صحبت‌های شما نتیجه می‌گیرم برنامه
درسی که ما داریم و با همه کاستی‌هایی که
شما فرمودید، می‌شود برنامه صحیح و طرح
درستی را در کلاس تاریخ طراحی بکنیم که
میزان مشارکت و جذب دانش‌آموز نسبت به
درس تاریخ بیشتر شود و خودبه‌خود وقتی این
جذب به وجود بیاید علاقه هم به وجود می‌آید،
آن وقت می‌توانیم بگوییم تاریخ در زندگی
دانش‌آموز کاربرد خواهد داشت. مطالبی که
آقای زرنگار فرمودند خود این‌ها هم مورد قبول
کارشناس‌های ما هم هست.
حالا از آقای فانی می‌خواهم در این مباحث
اظهار نظر بفرمایند.**

فانی: ببینید جناب معتمدراد، در ادامه فرمایش
همکارها، ما نمی‌توانیم همه تقصیر را به گردن
دانش‌آموز بیندازیم، متأسفانه خود همکارها هم
کمابیش کاستی‌هایی دارند از جمله نداشتن
دانش و مهارت کافی. ناتوانی بعضی از همکارها را

در نوشتن مقالات و کتاب‌ها و انجام پژوهش‌های
نو و کارآمد می‌بینیم، متأسفانه همکارها در این
رابطه، آن طور که باید و شاید فعال نیستند، یا
انگیزه ندارند یا مسائل دیگر. ما باید دانش‌آموزان
را حتی‌الامکان ببریم تا مکان‌های تاریخی را
ببینند. من خودم این کار را انجام داده‌ام و خیلی
مؤثر بود. مثلاً در درس تاریخ‌شناسی، وقتی
سکه هخامنشی را درس می‌دهیم شاگرد تئوری
می‌خواند اما وقتی او را ببریم موزه سکه‌شناسی
را ببیند، خود این در ایجاد رغبت دانش‌آموز
به درس تاریخ خیلی مؤثر است. همین‌طور
مکان‌های تاریخی را؛ مثلاً مسجد جامع، زندان
اسکندر، باغ دولت‌آباد یزد و ...

در تشویق به درس تاریخ، یک راهکار دیگر هم
گذاشتن فیلم‌های تاریخی است، که اشاره شد.
به نظر من، بعد از حضور و غیاب، اولین چیزی
که دانش‌آموز را ترغیب می‌کند، این است که
معلم تاریخ مسائل روز جامعه را بگوید. یعنی اول
از مسائل روز جامعه شروع کند و بعد بپردازد
به تاریخ، یعنی مطالب تاریخی گذشته را به‌روز
کنیم مثلاً بگوییم در سال ۳۲، آمریکایی‌ها اول
با مصدق بودند ولی بعداً علیه مصدق شدند.
وصلش کنیم به مسائل امروز، یعنی تاریخ
گذشته را به مسائل روز وصل کنیم تا دانش‌آموز
بیشتر برایش مفهوم باشد. یک کار دیگری که
می‌شود انجام داد نقشه‌های تاریخی تهیه کنیم
که هر وقت خواستیم درسی را توضیح دهیم از
نقشه‌های تاریخی استفاده کنیم. شیوه تدریس
قدیمی را کنار بگذاریم و از حالت مشارکتی
استفاده کنیم و از دانش‌آموز بخواهیم وارد بحث
شود و خودش بیاید کنفرانس دهد و در مورد
فلان موضوع تحقیق کند. خلاصه اینکه کلاس
را فعال و آن را از حالت معلم‌محور خارج کنیم.
تا آنجا که امکان دارد اگر دانش‌آموز سؤالی کرد
جواب دهیم. حتی اگر سؤالی کرد که جواب آن
را ما نمی‌دانیم بگوییم نمی‌دانم، بررسی می‌کنم،
تحقیق می‌کنم و هفته آینده جوابت را می‌دهم،
این کار را اگر معلم انجام دهد خیلی خوب است.

**آقای زرنگار، مسئله دیگری که گفتن
آن ضروری است بحث سیر توالی زمانی
یا کروئولوژیک تاریخ است برای اینکه
دانش‌آموزان نروند به سمت پراکنده‌خوانی و یک
سیر را طی کنند؛ مثلاً در مبحث تاریخ اسلام**



طاقه‌باف: خود من می‌دانم در اولین جلسه‌ای که می‌خواهم تاریخ تدریس کنم بچه‌ها چه سؤال‌هایی از من خواهند پرسید، می‌پرسند چرا باید درس تاریخ را بخوانیم؟ تاریخ در زندگی چقدر کاربرد دارد؟ به بچه‌ها می‌گویم همان‌طور که ریاضی فرمول دارد و روش دارد، تاریخ هم راه و روش خودش را دارد

می‌پرسند چرا باید درس تاریخ را بخوانیم؟ تاریخ در زندگی چقدر کاربرد دارد؟ به بچه‌ها می‌گویم همان‌طور که ریاضی فرمول دارد و روش دارد، تاریخ هم راه و روش خودش را دارد. اصلاً من اینکه یک نفر کتاب بخواند و بقیه گوش کنند را قبول ندارم. نهایتاً در بعضی از کلاس‌ها که سطح پایین‌تری دارند می‌گویم بچه‌ها ۱۰ دقیقه خودتان کتاب را روخوانی کنید و هر کسی هر موردی یا سؤالی دارد یادداشت کند و بگوید. به این ترتیب در همان جلسه اول دستم می‌آید که این‌ها در این درس چه مشکلاتی خواهند داشت. مشکل یا صحبت ما بیشتر در مورد درس تاریخ معاصر است چون خیلی تخصصی بهش نگاه نشده، و برخلاف کتاب‌های تاریخ ایران جهان ۱ و ۲ و تاریخ پیش‌دانشگاهی که با دیدگاه‌های تاریخی نوشته شده، تاریخ معاصر دیدگاه تاریخی ندارد، بلکه بیشتر نظرهای شخصی است. این کتاب تمامش ارزش خواندن دارد اما ارزش حفظ کردن ندارد، به‌خصوص بعضی از قسمت‌ها که خیلی سنگین نوشته شده و توضیحات اضافه دارد.

دیگر اینکه من به بچه‌ها یاد می‌دهم کتاب را

اگر بخواهد سبیره پیامبر اکرم(ص) را از تولد حضرت تا رسالت ایشان و از جنگ‌ها تا به صلح و نامه‌نگاری‌های ایشان به سران کشورها، همه را در یک راستای زمانی و امتداد تاریخی ببیند، من فکر کنم دانش آموز بهتر بتواند به هدفش برسد. یا اگر دانش‌آموزان از دوران رسالت تا خلفای راشدین، و از این دوران تا پایان دوران خلفای عباسی و به بعدش بتواند یک ارتباطی را درک کند و از وقایع تاریخی آن تجزیه و تحلیل داشته باشند یادگیری خوب صورت می‌گیرد منظورم این است که پراکنده‌خوانی نشود. شما این نوع یادگیری را چگونه ارزیابی می‌کنید و آن را مفید می‌دانید؟

زرنگار: مسلماً مفید است و این روش را باید

برای تاریخ ایران هم داشته باشیم. ما سیر تاریخ ایران با اروپا یا هر جای دیگری را که بررسی کنیم شباهت‌هایی بین آن‌ها می‌بینیم که به‌عنوان تکرار تاریخ از ش یاد می‌کنیم از جمله ظهور و سقوط سلسله‌ها. مثلاً هخامنشیان یک‌جا ظهور کردند یک‌جا به اوج رسیدند و یک‌جا سقوط کردند؛ همین‌طور اشکانیان، ساسانیان، تمدن‌های بعد از اسلام و ... اگر ما بین این‌ها ارتباط برقرار کنیم. قانون مند بودن تاریخ درک می‌شود که این خیلی مهم است و یکی از هدف‌های اصلی آموزش تاریخ همین است.

از همین‌جا می‌شود مفهوم فلسفه تاریخ و قانون‌مندی تاریخ را به‌دست آورد.

طاقه‌باف: به‌نظر من آموزش تاریخ مثلی است که یک ضلع آن مؤلف یا مؤلفان است یک ضلعش دانش‌آموز و یک ضلع هم معلم یا دبیر و هر کدام از این‌ها نقاط قوت و ضعف خودش را دارد. برای مثال، در تألیف بعضی از کتاب‌های درسی تاریخ اگر شما نگاه کنید می‌بینید که فقط دارد به ما اخبار تاریخی را می‌گوید، طوری که حتی برای خود معلم هم راه برای تجزیه و تحلیل باز نیست. یعنی حتی قسمت‌هایی که بشود تجزیه و تحلیل کرد کم است. دانش‌آموزان هم که انگیزه و رغبت ندارند و این هم مسئله‌ای است. به هر حال، به‌نظر من اگر خود معلم و یا کسی که می‌خواهد تاریخ را تدریس کند اگر علاقمند به تاریخ باشد و علاقه به کارش هم داشته باشد خیلی بهتر می‌تواند با همین محدودیت‌ها درس بدهد. خود من می‌دانم در اولین جلسه‌ای که می‌خواهم تاریخ تدریس کنم بچه‌ها چه سؤال‌هایی از من خواهند پرسید.



زارع: مفاهیم کتاب درسی باید برای دانش آموز گویا باشد، با علم روز همراه باشد، و نکات ارزشی و کاربردی تاریخ را داخل محتوا بیاورد

و شکست دولت‌ها بیان شود. دوم سیاست‌های داخلی و خارجی آن دولت گفته شود، یعنی با مردم خودش چه کرد و با خارجی‌ها چطور رفتار کرد. سوم هم اختصاص بخش عملی با فعالیت‌های پژوهشی است، یعنی هر واحد درسی باید با یک فعالیت‌های پژوهشی همراه باشد.

یکی از معلمین تاریخ اعتقادش بر این بود که مباحث تاریخی را برای دانش‌آموزان کاربردی کنیم، حتی نظر ایشان این بود می‌شود برای مقوله‌هایی مثل دروغ، تهمت، حسد و... ریشه‌های تاریخی پیدا کرد. آقای اکرمی شما چقدر نگاهتان به آموزش تاریخ کاربردی بوده، چه مهارتی را در آموزش تاریخ مناسب و ضروری می‌دانید؟

اکرمی: در بحث درس‌های تاریخی معمولاً به این نکاتی که شما اشاره کردید و بیشتر بحث اخلاقی مطرح است، کمتر پرداخته شده ولی از حیث سابقه تاریخی معمولاً بحث حسد، بخل و دروغ‌گویی زیاد در حوزه تاریخ داریم، مثلاً ابوالفضل بیهقی می‌گوید بوسهل بن زوزنی بسیار حسود بود و دائم از حسنک وزیر بدگویی می‌کرد، شهید مطهری می‌گوید قطار موقعی که ایستاده کسی به آن سنگ نمی‌زند اما موقعی که حرکت می‌کند سنگ زدن شروع می‌شود. ولی حالا اگر بپرسند چه کسانی سنگ می‌زنند، می‌گوییم آن‌هایی که نزدیک‌تر هستند به قطار. این‌ها در کتب درسی آوردنش بسیار بجا است و اگر دانش‌آموز با آن آشنا

خلاصه کنند، به این شیوه که به آن‌ها می‌گوییم بچه‌ها! امروز هر کتابی که همراهتان هست بیرون بیاورید و یک درسی را با هم شروع می‌کنیم به خواندن؛ مثلاً کتاب فلسفه‌شان را با هم می‌خوانیم و می‌گوییم من هم مثل شما بار اولی است که این کتاب را می‌خوانم، حالا یک تکه را خلاصه می‌کنیم؛ مثلاً از یک صفحه و نیم کتاب ۵ خط بیرون می‌کشیم. بعد همین کار را در مورد کتاب تاریخ خودشان انجام می‌دهیم. کم کم طوری می‌شود که خود بچه‌ها یاد می‌گیرند چه‌طور مطالب اصلی را از کتاب بیرون بکشند و خلاصه کنند. با کسب این تجربه خیلی به تاریخ علاقمند می‌شوند به طوری که دانش‌آموزان کارودانش و هنرستان نمره‌های خیلی عالی از درس تاریخ می‌گیرند. بعد پرسش‌های پایانی هم برای آن‌ها تهیه می‌کنم. علاوه بر این سعی می‌کنم فیلم نشان بدهم، کتاب به آن‌ها معرفی کنم. مثلاً کتاب تاریخ طبری را با خودم به مدرسه می‌برم و می‌گوییم فلان مطلب در این کتاب گفته شده.

به‌طور کلی، ما امکانات خیلی خاصی نداریم. چند جلسه در سال بچه‌ها را به کتابخانه می‌بریم و می‌گوییم از همین کتاب‌ها یک مطلب انتخاب کنند و سرکلاس بیاورند و بحث کنند. **زارع** (معاون متوسطه): اولاً من فقط جهت عرض خیر مقدم به اینجا آمدم. ثانیاً بهترین تصمیماتی که می‌شود در مورد آموزش و پرورش برای نسل آینده گرفت در همین جلسات است.

به نظر من تألیف کتاب درسی باید دو ویژگی داشته باشد، یکی ویژگی عمومی و دیگری ویژگی تخصصی، ویژگی عمومی یکی اینکه مفاهیم آن برای دانش‌آموز گویا باشد، با علم روز همراه باشد، و نکات ارزشی و کاربردی تاریخ را داخل محتوا بیاورد، آموزش‌های نظری و عملی را با هم و در هم بیامیزد، روحیه پرسشگری را تقویت بکند، با فرصت‌های آموزشی تطبیق داده شود، از ذهن دانش‌آموز، انبان اطلاعات نسازد و دانش‌آموز از محتوای آن لذت ببرد. این‌ها ویژگی عمومی بود. در زمینه تخصصی کتاب تاریخ باید بین کتاب‌های تاریخ گذشته و تاریخ فعلی تفاوت بگذارد، چون تاریخ گذشته اطلاعاتی است که از نسل گذشته به ما رسیده، اما تاریخ فعلی آن چیزی است که بخشی از آن را مشاهده کردیم و فراگیر است. باید تاریخ معاصر بیشتر با واقعیت‌ها تطبیق داده شود. به علاوه در خود کتاب‌ها سه تا موضوع اصلی باید دخالت داده شود: اول اینکه دلایل موفقیت



مهدی نژاد: سعی نمی‌کنم کلاس خشک باشد، حالتی به کلاس می‌دهم که دانش آموز درس تاریخ را یاد بگیرد و علاقمند هم بشود

آقای مهدی نژاد، در این مورد نظرتان چیست؟ برخی دبیران اطلاعات تاریخی دارند اما شاید فن بیانشان ضعیف باشد.

مهدی نژاد: معلم تاریخی می‌تواند موفق باشد که تسلط بر درس داشته باشد، کلیه اصطلاحات درس را بلد باشد، بتواند کامل توضیح بدهد، پای تخته شکل بکشد، بلد باشد برای هر قضیه‌ای، با بیان کامل و شیرین مباحثی را مطرح کند. این باعث می‌شود که مفاهیم و اصطلاحات با عمق بیشتری در ذهن دانش آموز جا بیفتد ولی اگر توانی نداشته باشد کلاس او بی‌بهره خواهد بود.

خانم طاقه باف، فکر می‌کنید که در گزینش معلم تاریخ چه معیارهایی را باید در نظر بگیریم تا در چارچوب برنامه درسی و تدریس دچار مشکل نشویم.

طاقه باف: فکر می‌کنم از جذابیت‌های معلم‌ها برای دانش‌آموزها این است که ظاهری آراسته داشته باشد. دیگر اینکه دبیر باید قوه بیان عالی داشته باشد، تسلط داشته باشد و صبر خیلی زیاد؛ آرامش باید در چهره‌اش موج بزند. آرامش و صبوری معلم خیلی مهم است. در ضمن معلم تاریخ اولاً باید در علم به‌روز باشد. البته لازم نیست مثلاً فرمول‌های ریاضی و فیزیک و شیمی را بداند ولی یک مقداری از روان‌شناسی را باید مطالعه داشته باشد تا بتواند ۲۰ تا ۳۰ تا دانش‌آموز را در یکی دو جلسه اول روان‌شناسی بکند. شخصیت‌شناسی معلم باید کامل باشد و هر شخصیتی را بشناسد تا بتواند با آنها ارتباط

شود حداقل می‌تواند در زندگی شخصی خودش اثرگذار باشد ضمن اینکه ما با توجه به مسائل روز همان‌طور که همکاران فرمودند، بایستی تدریس کنیم خیلی از این‌ها را می‌توانیم حداقل ببینیم، به گوشه و کنار اشاره کنیم و به دانش‌آموزان بگوییم فلان شخصی که در طول تاریخ خدمتگزار بوده، مثلاً امیر کبیر داشتیم، قائم‌مقام داشتیم خوب این‌ها اسیر همین تهمت‌ها و دروغ‌ها و کینه‌ها شدند. در مجله رشد آموزش تاریخ فکر کنم مقاله‌ای از خانم سلیقه‌دار خواندم با عنوان «چگونگی کاربردی کردن قرآن در تدریس تاریخ» که نوشته بود مهم‌ترین حرف قرآن عبرت‌آموزی است؛ حدود یک‌سوم قرآن، تاریخ است. این را هم بگوییم که یکی از عیب‌هایی هم که در این مجلات هست، و من چند تا از آن را که بررسی کردم دیدم، خیلی از مسائل که مطرح شده بیشتر بیان همان کلیات است و شیوه‌های کاربردی خیلی مطرح نشده تا مثلاً من بتوانم سر کلاس از آن استفاده کنم. در آموزش تاریخ می‌توان از بُعد مذهبی و اخلاقی قرآن کمک گرفت تا ضمن آن کار دینی هم انجام گیرد.

مباحثی که مطرح شده بخشی از آن به فن بیان معلم برمی‌گردد. دانش‌آموز تمام توجه و نگاهش به معلم است که چه فنی را به‌کار می‌گیرد: این فن بیان یکی از راه‌هایی است که دانش‌آموزان جذب معلم می‌شوند، آقای فانی شما فن بیان معلم را چقدر مؤثر می‌دانید؟

فانی: دبیر تاریخ باید اطلاعاتش زیاد باشد حالا اگر اطلاعاتش زیاد بود اعتمادبه‌نفس او بالا می‌رود، و این در فن بیان او تأثیرگذار است. معلم، حتی اگر سابقه هم دارد، شبی که می‌خواهد فردا تدریس کند باید یک بار کتاب را بخواند تا با اعتمادبه‌نفس بیشتری سر کلاس برود. اگر هم رفت در یک جایی که مثلاً لهجه‌های مختلفی است سعی کند کتابی صحبت کند؛ مثل گوینده اخبار صداوسیما که در سراسر ایران صحبت‌هایش را متوجه می‌شوند. پس فن بیان خیلی مهم است. معلم باید لفظها و اصطلاحات و اسامی رهبران را بداند تا در بیان تاریخ دچار اشتباه نشود. به‌نظر من آموزش و پرورش هنگام استخدام معلمان باید از نظر فن بیان هم امتحان بگیرد.

برقرار کند. مهارت‌های کلامی هم خیلی مهم است. در کل چیزی که من فکر می‌کنم در جذب دانش‌آموز مهم است برقراری ارتباط است.

یکی از نکاتی که در تمام حوزه‌های آموزشی مورد توجه والدین و دانش‌آموزان است، معلومات و شخصیت معلم است. با توجه به فضای مجازی که در دسترس اکثر دانش‌آموزان است معلم باید از نظر علمی یک سر و گردن بالاتر از شاگرد باشد، معلم تاریخ به‌عنوان یک مرجع علمی باید طوری در کلاس مطرح باشد تا وقتی دانش‌آموز در مواردی به بن‌بست می‌رسد تکیه‌گاه او معلم باشد. در این مورد شما آقای زرنگار صحبت بفرمایید.

زرنگار: من ۱۲۰ عنوان فیلم تاریخی تهیه کرده‌ام که به تناسب درس‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنیم. در مورد حوادث روز هم، که ممکن است دیشب مثلاً اتفاق افتاده باشد، برای مثال حمله ترکیه به سوریه و ... که دانش‌آموزان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد، دبیر می‌تواند از رسانه‌های روز استفاده کند. اگر معلم تاریخ بخواهد موفق باشد باید به‌روز باشد و از تمام امکانات آموزشی جدید بهره‌مند شود و از آن‌ها در کلاس درس استفاده کند.

آقای اکرمی، بعضی از معلمان تاریخ ما نگاهشان این است که دانش‌آموزانی که بیشتر به محفوظات گرایش دارند دانش‌آموزانی هستند هوشمند و موفق زیرا از حافظه خوبی برخوردارند. پس مباحث تحلیلی، استدلالی و اکتشاف چه جایگاهی در درس تاریخ دارند؟

اکرمی: من دو تا شاگرد دوقلو داشتم. این‌ها کتاب تاریخ که تدریس می‌شد جلسه بعد می‌آمدند و درس را خط‌به‌خط می‌گفتند؛ یعنی حافظه‌شان آن قدر قوی بود که بقیه دانش‌آموزان می‌بوهت می‌ماندند. ولی من به شخصه این روش را نمی‌پسندم. و به بچه‌ها می‌گفتم این‌گونه دانش‌آموزها اگر جمله‌ای را کمی تغییر بدهی در پاسخ در می‌مانند. روش تدریس و یادگیری تاریخ نباید به این شکل باشد. شیوه ارزشیابی هم نباید فقط براساس محفوظات دانش‌آموز باشد. البته حافظه خوب است و کمک می‌کند به اینکه در امتحان موفق شویم ولی این روش در جایگاه پژوهش و تجزیه و تحلیل تاریخ ارزش زیاد ندارد.

آقای زرنگار، شما یک جمع‌بندی داشته باشید از مجموعه بحث‌هایی که شد. برای بهتر شدن تدریس در حوزه آموزش تاریخ و رفع مشکلات این حوزه چه کار کنیم؟

زرنگار: عرض کنم اگر من خودم تا به تاریخ علاقمند نباشم و اطلاعات خوب هم نداشته باشم نمی‌توانم آن را درست تدریس کنم. بنابراین فرد باید علاقمند و متخصص در این درس باشد تا موفق شود. دیگر اینکه معلم باید فراچنان باشد. سر کلاس لااقل باید فراچنان باشد من همیشه مثال می‌زنم که ملاک ما باید بازی خوب باشد نه اینکه طرفدار سبز، سرخ یا آبی باشیم. این باعث می‌شود که ما اگر سرخ هستیم حسنات آبی را نبینیم و بالعکس، در نتیجه فقط جناح‌گرا می‌شویم و بسیاری از اشتباهات را تأیید می‌کنیم چون در این جناح هستیم پس سعی کنیم که خصوصاً در بخش تاریخی فراچنان عمل کنیم که هم دانش‌آموزان ممکن است جناح‌های مختلف سیاسی داشته باشند که جبهه‌گیری در مقابل ما نکنند و حرف ما را هم باور داشته باشند. همان‌طور که همکارها فرمودند و شما هم فرمودید بهترین راهکاری که می‌توانیم ارائه کنیم این است که کتاب درسی تاریخ از نظر اطلاعات و داده‌ها به‌روز باشد، قابل فهم باشد، ساده باشد پرسشگر باشد و ذهن دانش‌آموز را به پرسش و کاوش وادارد؛ این از متن، یعنی اول باید متن خوبی باشد. دومین عامل دبیرها هستند. سوم وسایل کمک آموزشی است. ما در یزد خیلی امکانات نداریم و بضاعت کمی داریم ولی در تهران مثلاً نقشه‌های تاریخی تهیه کردند، یا فیلم بهترین آموزش است ای کاش می‌شد خیلی از این مسائل تاریخی را با مستند نمایش داد و هر امکان کمک آموزشی که می‌توانند فراهم کنند که به درس تاریخ کمک کند. چهارمین عامل دانش‌آموز است. که همان‌طور که آقای اکرمی فرمودند، نمی‌توانیم در هنرستان همان شیوه‌ای را به‌کار ببریم که من مثلاً در استعدادهای درخشان به‌کار می‌برم. این برمی‌گردد به کیفیت دانش‌آموزان از یک طرف و تجربیات و شیوه بیان و تدریس معلم که هر کدام از این‌ها یک شیوه تدریس خاص خودش را می‌طلبد.

همکاران عزیز، خیلی ممنون که در این نشست مشارکت کردید.